



بسم الله و بذكر وليه

شناسایی مولفه ها و پتانسیل های درونی جهت مهندسی و برنامه ریزی فرهنگی

دکتر احسان پوراسماعیل
استادیار مؤسسه آموزش عالی آرمان رضوی
dr.ehsanpouresmaeil@yahoo.com

شهرزاد سروش
دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت اماکن متبرکه و مذهبی
دانشگاه بین المللی امام رضا (علیه السلام)
Shahrooz.Sorush2@gmail.com

چکیده

هرچند کشور عزیزمان ایران پس از انقلاب اسلامی، در بسیاری از زمینه ها بطور مثال در باب قدرت بازدارندگی نظامی جزو سرآمدان جهان میباشد، اما در برخی از زمینه ها کماکان با نقطه مد نظر رهبر فرزانه انقلاب که در بیانیه گام دوم انقلاب فرموده اند فاصله دارد. بنابراین فرضیه نقطه عزیمت ایران اسلامی بسوی پیشرفت کجاست و راه توسعه و پیشرفت ما از کدامین مسیر میباشد. فرضیه این پژوهش بر مبنای اینکه عامل راهبردی یا پیشران در جمهوری اسلامی ایران، فرهنگ و تحول فرهنگی درون زا است که میتوان با برنامه ریزی و مهندسی فرهنگی به این عامل دست یافت. بنابراین راه پیشرفت و دست یابی به تمدن سازی نوین اسلامی در ایران، که آیت الله خامنه ای مدظله العالی بر آن تاکید دارند، مبتنی بر تحول و پیشرفت فرهنگی میباشد که در این مقاله به شناسایی ظرفیت ها و پتانسیل های موجود در فرهنگ اصیل ایرانی و مکتب انسان ساز اسلامی میپردازیم که عبارتند از: اجتهاد مستمر و فقه پویا شیعی، میراث غنی جنبش اصلاحی اسلامی، تاکیدات فراوان در دین مبین اسلام و همچنین فرمایشات گهربار پیامبر اکرم و ائمه اطهار (ع) میباشد. پژوهش حاضر از نوع کیفی بوده و روش تحقیق نیز توصیفی-تحلیلی میباشد.

واژه های کلیدی: پیشرفت، توسعه، فرهنگ، اسلام، ایران



با اینکه پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی، کشور عزیزمان در بسیاری زمینه ها منجمله دانش های بنیادین، سته ای، نانو و صنایع دفاعی پیشرفت های عظیم و شگرفی حتی باوجود تحریم های ظالمانه استکبار جهانی، توانسته ایم با دانش و علم تلاش وافر دانشمندان عزیزمان علاوه بر توسعه و پیشرفت و انجام فرآیند مهندسی معکوس چشم جهانیان را بر پتانسیل ها و ظرفیت های علمی مان خیره کنیم اما هنوز هم فاصله زیادی با جامعه مطلوب و آرمانی مد نظر ایران-اسلامی و رهبران و ملت شریف مان با جهان توسعه یافته کنونی داریم. میتوانیم از دو سده اخیر که دغدغه عوام و خواص ملت شریف ایران که چرا ما به آن نقطه مطلوب توسعه و پیشرفت نرسیده ایم را در ابعاد تفاوت های آگاهی ما نسبت به پتانسیل موجود در کشور از یک سو تفاوت موجود با رویکرد مادی گرایانه غربی از بعد دیگر و از سوی دیگر با جامعه اسلامی موجود در صدر اسلام برایمان پرسش های فراوانی را بوجود آورده است.

حال که این عطش برای جستجو راه حل توسعه و پیشرفت پس از انقلاب اسلامی افزایش پیدا کرده، و با عنایت به معضلات و مشکلات موجود در کشور یافتن راه حل برای مان ضروری تر شده است بطوریکه این این بحث در محافل علمی، آکادمیک، دولتمردان، دانشگاه، حوزه و میان مردم جامعه را مطرح ساخته است که علت چیست و آن عامل راهبردی یا پیشران در کجا قرار دارد؟

در این میان باتوجه به این حقیقت که تمدن سازی و تبلور جامعه آرمانی بدون توسعه و پیشرفت در تمامی ابعاد ممکن نیست، با توجه به دغدغه، مطالبه و پیگیری جدی مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه ای مدظله العالی و تلاش ایشان برای پی ریزی و شالوده تمدن نوین اسلامی در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی نام برد. در این پژوهش به ابعاد و مسایل گوناگون (فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و نظامی) در پاسخ به ضرورت تدوین و اجرای مهندسی و برنامه ریزی فرهنگی پرداخته شده و از نظر نگارنده و محققین پیشین نیز عامل پیشرفت و پیشران در ایران فرهنگ میباشد که نگارنده در این پژوهش با استفاده از روش تحلیلی-توصیفی و مروری برتحقیقات پیشین به طرح مفاهیم و نظریه و دیدگاه خود میپردازد.

در جوامع خاور دور، افراد به شدت به سلسله مراتب احترام میگذارند و معمولاً اهداف مملکتی و گروهی را بر اهداف شخصی مقدم میدارند. به سخت کار کردن و زحمت کشیدن تعهد دارند و به اشتغال و انجام وظایف در موسسه خود وفاداری فوقالعاده ای نشان میدهند و قانون پذیری افراد در سطح بالایی قرار دارد. برای آنان توجه به نظم، سازماندهی و دقت در کار، اصلی بسیار مهم است و چون سلسله مراتب رعایت میشود و هرکس در حدود اختیارات خود عمل میکند، مدیریت بر فعالیت های اقتصادی و ایجاد هماهنگی میان کانونها با سهولت انجام میپذیرد به علت درک فرهنگی پرسنل به سهولت انجام میدهند. (سریع القلم، 1375: 73-74)

باتوجه به تجربه موفق توسعه و پیشرفت کشورهایمانند ژاپن که توانسته اند با استفاده از راهبرد مدیریت کایزن و راهبرد فردی بهبود مداوم کشورشان را پس از ویرانی های جنگ جهانی به یکی از قدرت برتر جهان تبدیل کنند فلسفه یا راهبرد مدیریت کایزن که از اوسط دهه پنجاه میلادی توسط دکتر دمینگ در ژاپن مطرح شد و در آن کیفیت و بهبود مستمر بعنوان عاملی استراتژیک و مهم و حیاتی مدیریت سازمان ها باعث انقلاب کیفیت در ژاپن پس از جنگ شد. جوهر و درون مایه، این راهبرد که چندین دهه هست در طرز فکر ژاپنی ها ریشه دوانیده است و ژاپنی ها آن را بعنوان یک راهبرد برگزیده و در تمامی زمینه ها از آن بهره میجویند،



ابتدا به ساکن در مکتب انسان ساز اسلام شکل گرفته است و در حقیقت خواستگاه اولیه کایزن ایدیولوژی یا بعبارتی دیگر تلاش و پیشرفت مداوم بشر، در نص صریح قرآن حکیم فرمایشات پیامبر اعظم و اندیشه متعالی اسوه عدالت و تقوا، مولای مان حضرت علی (ع) است که با زیباترین حالت ممکن در بیانات و خطابه های آن حضرت به کرار در نهج البلاغه در حکم و غرر الحکم متجلی گردیده و همچنین بیانات، راه و مسلک سایر امامان نیز میتواند راهگشای انسان ها در مسیر کمال، زندگی است اشارات فراوانی شده است.

که برخی از مستندات این نمونه ها عبارتند از:

پیامبر اکرم (ص) میفرماید: وَ قَدْ قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ : مَنْ اسْتَوَى يَوْمَهُ فَهُوَ مَغْبُونٌ وَ مَنْ كَانَ آخِرَ يَوْمِهِ شَرًّا فَهُوَ مَلْعُونٌ وَ مَنْ لَمْ يَعْرِفِ الزَّيَادَةَ فِي نَفْسِهِ فَهُوَ فِي نَقْصَانٍ وَ مَنْ كَانَ إِلَى التَّقْصَانِ فَالْمَوْتُ خَيْرٌ لَهُ مِنَ الْحَيَاةِ کسی که دو روزش با هم برابر باشد، زیان کار است. کسی که امروزش بدتر از دیروزش باشد، از رحمت خدا به دور است. کسی که رشد و بالندگی در خود نیابد، به سوی کاستی ها می رود و آن که در راه کاستی و نقصان گام بر می دارد مرگ برایش بهتر از زندگی است. (مسترحمی، جلد 2: 7)

رسول خدا (ص) میفرماید: « أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ أَحْمَرُهَا » (مجلسی، جلد 70: 191)؛ بهترین کارها سخت ترین (پر زحمت ترین) آنهاست.

حضرت علی (ع) میفرماید « ثَوَابُ الْعَمَلِ عَلَى قَدَرِ الْمَشَقَّةِ فِيهِ » (ری شهری، جلد 1: 563) پاداش هرکاری به اندازه سختی و زحمتی است که در آن وجود دارد.

: «مَنْ اسْتَوَى يَوْمَهُ وَ فَهُوَ مَغْبُونٌ» بمعنای فارسی هرکس دو روزش یکسان باشد، زیان دیده است.

امام صادق (ع) فرموده اند « الْكَادُ عَلَى عِيَالِهِ مِنْ حَلَالٍ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ » (الکلینی، 1350: 88)؛ کسی که برای تأمین زندگی خانوادگی اش از راه حلال کار کند همانند مجاهد راه خداست.

علاوه بر نمونه های که بعنوان مثال از پیامبر و امامان ذکر گردید، امام هفتم (ع) نیز همانند رسول خدا و سایر امامان کار سخت و جدی را سیره پیامبران، رسول خدا جانشین آنها و همه نیکوکاران اعلام میکنند.

2- ادبیات نظری پژوهش

برای جلوگیری از اشتباه و ضرورت تمایز بین اصطلاحات، تعاریف مفاهیمی مانند رشد، توسعه، پیشرفت، فرهنگ، مهندسی فرهنگی و برنامه ریزی فرهنگی در این مقاله ضروری است.

2-1- رشد



رشد به معنای افزایش کمی یا عددی شیء، محصول یا کالا است. به عبارت دیگر، برای تغییر کمی هر متغیر طی یک دوره معین زمانی، رشد گفته میشود. بطور مثال اگر تا دیروز ما در هر هکتار زمین کشاورزی یک تن گندم، برنج، چای، مرکبات یا محصول دیگر تولید میکردیم، از امروز این محصول ما به دو تن رسیده یا اگر در تولید کالایی مانند لوازم خانگی یا خودرو تا دیروز صد هزار تولید داشتیم، امروز به مرز صد و پنجاه هزار یا بیشتر رسیده باشیم.

2-2 توسعه

توسعه فرایندی کیفی است و درک این معنا با واژه رشد بهتر صورت میگیرد؛ چرا که رشد بر تغییرات کمی دلالت دارد. به عنوان مثال افزایش محصولات تولیدی در یک کشور، رشد شمرده میشود، اما توسعه نیست. همچنین رشد تعداد دانشجو در یک کشور لزوماً به مفهوم توسعه علم و معرفت نیست. توسعه اقتصادی علاوه بر رشد کمی دربرگیرنده بهبود کیفیت در محصولات و تنوع کیفی آنان است و علاوه بر اینها دربرگیرنده تحولاتی در ترتیبات فنی و نهادی است که محصولات مذکور تولید یا توزیع میشوند (کورن، 1375: 311-310)

یادآور میشویم که توسعه بهعنوان یک پدیده غربی و اروپایی پس از تبدیل شدن به یک پدیده جهان شمول و ورود به کشورهای جهان سوم یا جنوب از جمله ایران، بر تعبیر نیرل اسملسر سه پارادوکس را به ارمغان آورده است؛ 1. تحول ناموزون، 2. تقابل سنت و مدرنیسم، 3. سرکوب سیاسی.

2-2-1 در توضیح اولین پارادوکس، اسملسر میگوید که در فرایند توسعه توان حرکت به سوی مدرنیزه شدن برای ابعاد مختلف جامعه یکسان نیست و این عدم توازن به طور قطع بحران زا است.

2-2-2 پارادوکس دوم نتیجه مقاومت نیروهای سنتی در مقابل مدرنیزه شدن است.

2-2-3 پارادوکس سوم نیز حاصل برخورد حاکمیت سیاسی با بحران های ایجاد شده است که خود باعث بروز بحران جدیدی خواهد شد (منوچهری، 1374: 69-71)

2-2-4 درباره رهیافت سیاسی مطالعات توسعه نیز دیدگاه ها و نظریات مختلفی ارائه شده است که از جمله آنها به تئوریهای اشاره میشود:

2-4-1 تئوری کارکردگرایی ساختاری

2-4-2 تئوری بسیج اجتماعی

2-4-3 تئوری تصمیم گیری خردگرایانه

2-4-4 تئوری بحران (هویت، مشروعیت، توزیع، مشارکت و نفوذ)

2-4-5 تئوری وابستگی

2-4-6 تئوری اقتدارگرایی جدید

2-4-7 تئوری دمکراسی انجمنی (سیف زاده، 1368: بخش دوم)



توسعه در سرنوشت خود مراحل مختلفی را پشت سر گذاشته است؛ به گونه ای که در مرحله ای «جامعه مدرن» را در مقابل «جامعه سنتی» قرار میداد و در واقع دور شدن از سنت و حرکت به سوی مدرنیزاسیون گامی به سوی توسعه تلقی میشد، ولی در مراحل بعدی، دیگر نظریه تضاد سنت با مدرنیسم مطرح نبود، بلکه همزیستی سنت بر مدرنیسم طرح شد. (قوام و دیگران، 1374: 629-658)

2-5 پس از بیان این مطالب درباره توسعه، تعریف مد نظر این نوشتار به این شکل است: توسعه (باتوجه به بنیاد غربی آن)، فراگردی است فراگیر و هم فرهنگی است فراگیر که در آن ظرفیت های جامعه در تمام زمینه های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی گسترش مییابد و شاخص های آن را در این موارد میتوان برشمرد:

2-5-1 بالا بودن سطح درآمد ملی، سطح سرانه و سطح تولید؛

2-5-2 سطح بالای تخص و استقلال سازمانی؛

2-5-3 فرهنگ عقلایی اومانیستی؛

2-5-4 تفکیک وظایف؛

2-5-5 ارتباطات و سطح رسانه ای قوی؛

2-5-6 بالا بودن امکانات و تسهیلات رفاهی، خدماتی و آموزشی؛

2-5-7 وجود انجمن های آزاد بر اساس تمایل و اراده افراد؛

2-5-8 افزایش مشارکت سیاسی و جامعه پذیری سیاسی؛

2-5-9 وجود تساهل و تسامح سیاسی و از بین رفتن خشونت مدنی؛

2-5-10 تقویت جامعه مدنی، نهادها و احزاب سیاسی؛

2-5-11 انبساط سیستمی و تنوع ساختاری و برخورداری زیرسیستمها از استقلال نسبی؛

2-5-12 دموکراسی و آزادی.

3-2 پیشرفت

باتوجه به تعریفی که از رشد و توسعه داشتیم، میتوانیم بگوییم که منظور ما از پیشرفت یعنی حرکت به جلو، یعنی رسیدن از وضع موجود به وضع مطلوب در هر دو بعد مادی و معنوی. وقتی فرد یا گروه یا کشوری از جایگاهی که در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی و مانند آنها دارد در مسیر و جاده منتهی به وضع مطلوب گام هایی به جلو برمیدارد و به الگوی ایده آل و آرمانی خود نزدیک میشود، میگوییم پیشرفت کرده است. گفتنی است که باتوجه به نوع جهان بینی ها، جهت گیری پیشرفت نیز متفاوت است. بر همین اساس است که می بینیم رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت آیت الله



خامنه ای، اعلام میکنند که ما به دنبال پیشرفت هستیم و از ذکر واژه توسعه که معنای خاصی را به ذهن متبادر میکند می پرهیزند. نظر ایشان چنین است:

کلمه «پیشرفت» را ما با دقت انتخاب کردیم تعددا نخواستیم کلمه «توسعه» را بکار ببریم علت این است که کلمه توسعه، یک بار ارزشی و معنایی دارد؛ التزاماتی با خودش همراه دارد که احیانا ما با آن التزامات همراه نیستیم؛ موافق نیستیم. ما نمی خواهیم یک اصطلاح جا افتاده متعارف، جهانی را که معنای خاصی را از آن می فهمند، بیاوریم داخل مجموعه کار خودمان بکنیم. ما مفهومی را که مورد نظر خودمان است، مطرح و عرضه میکنیم. این مفهوم عبارت است از «پیشرفت» معادل معنای فارسی پیشرفت را میدانیم؛ میدانیم مراد از پیشرفت چیست. تعریف هم خواهیم کرد که منظور ما از این پیشرفت که در فارسی معنایش روشن است، چیست؛ پیشرفت در چه ساحت هایی است؛ به چه سمتی است. ما این وام نگرفتن مفاهیم را در موارد دیگری هم در انقلاب داشته ایم. ما از کلمه «امپریالیسم» استفاده نکردیم. کلمه «استکبار» را آوردیم. ممکن است یک زوایایی در معنای امپریالیسم وجود داشته باشد که مورد نظر ما نیست. حساسیت ما بر روی آن زوایا نیست حساسیت ما بر روی آن معنایی است که از کلمه «استکبار» به دست می آید. لذا این را مطرح کردیم، در انقلاب جا افتاد؛ دنیا هم امروز منظور ما را می فهمد؛ و همچنین مفاهیم دیگری. مفهوم پیشرفت، برای ما مفهوم روشنی است. ما «پیشرفت» را به کار میبریم و تعریف میکنیم که مقصود ما از پیشرفت چیست (بیانات امام خامنه ای در نخستین نشست اندیشه های راهبردی در تاریخ 1389/09/10)

این سخنان بیانگر آن است که ما به دنبال پیشرفتی فراتر و از جهتی متفاوت با توسعه ای هستیم که در غرب مطرح میشود.

2-4 فرهنگ

فرهنگ در لغت به معنی عقل و بزرگی به کار رفته است و در اصطلاح این واژه به معانی متعددی اطلاق شده است. تعاریف گوناگونی، از فرهنگ به عمل آمده است. این گوناگونی، حکایت از تحول و پیچیدگی معنای فرهنگ دارد و ابعاد متفاوت آن را مینمایاند. فرهنگ از سویی به معنای «دانش، علم، معرفت، تعلیم و تربیت، آثار علمی و ادبی یک قوم یا ملت» طرح شده است و از جهتی دیگر به مجموعه آداب و رسوم، عقاید، افکار، ارزشها و هنجارهای موجود در یک جامعه اطلاق میشود. همچنین گفته شده است که مجموع عناصر عینی و ذهنی که در سازمانهای اجتماعی جریان مییابد و از نسلی به نسل دیگر منتقل میشوند، فرهنگ نام دارد. (علی بابایی، 1369، ج 1: 459). تایلر فرهنگ را مجموعه ای در نظر میگیرد که بر اثر «شناختها و باورها، هنر، حقوق، اخلاق، آداب و سایر شایستگی ها و عادات انسان به عنوان عضو یک جامعه» حاصل شده است. پای و وربا در تعریف فرهنگ سیاسی به وضوح از تایلر الهام گرفته اند. «شیوه زندگی مشترک افراد یک جامعه» یا «مجموعه قواعد و اندیشه هایی که تعامل اجتماعی را تداوم میبخشند» یا «شیوه ای آموخته برای حل مسائل» از تعاریف دیگری است که برای فرهنگ ارایه شده است. (بدیع، 1367)

در این مقاله همانند پژوهش های محققان پیشین منظور از واژه فرهنگ مجموعه ای از خرده فرهنگ ها، آداب و رسوم، سنت ها، اسطوره ها، عقاید، افکار، ارزش ها و هنجارهای موجود در جامعه که میتوان از واژه عرف جامعه نیز یاد کرد بطور ساده تر ارزش های حاکم بر یک جامعه که در تمامی ابعاد اعم از سیاست، دولت، دین، اقتصاد و اولین بعد اجتماع یعنی خانواده را نام برد. وجود فرهنگ باعث ایجاد نظم و کنترل در جامعه میشود.



5-2 مهندسی فرهنگی

از مهندسی فرهنگی میتوان به مثابه رویکردی مفهومی به جهت برنامه ریزی، مدیریت راهبردی توسعه جامعه یاد کرد. در مهندسی فرهنگی به نظامها، ارزش ها، فرآیندهای و فرمول بندی مرتبط با پاسخگویی خلاقانه و به چالش های توسعه نهاد های متولی فرهنگی و تشویق آحاد مردم به مشارکت و خرد جمعی در حیات فرهنگی در جامعه میپردازد.

6-2 برنامه ریزی فرهنگی

در تعریف برنامه ریزی فرهنگی اینگونه بیان شده است که بمعنای بیانی علمی، از نیازهای یک جامعه و تعیین راهبردهای موثر در حوزه اقدامات فرهنگی است در حقیقت برنامه ریزی فرهنگی یک راهبرد موثر و ضروری در زمان حال و آینده فرهنگ است. بعبارت ساده تر برنامه ریزی فرهنگی احتمال دستیابی به موفقیت اهداف و رویکردهای فرهنگی را بالا میبرد و در برگیرنده همه فعالیت ها و وظایف مدیران برای تدارک آینده مدنظر فرهنگی میباشد. از ارکان برنامه ریزی میتوان از هدف، سیاست، تجیزات، عمل و اجرا و در نهایت ارزیابی و بازخورد مجموعه اقدامات انجام شده است از اهداف مهندسی و برنامه ریزی فرهنگی اسلامی میتوان:

2-6-1 بازیافت تبلیغ معارف و مفاهیم ارزشی فرهنگ و هنر اسلامی

2-6-2 تقویت روحیه جهادی و احترام به مر قانون و حقوق انسانی و حفظ آزادی او

2-6-3 تعمیق و گسترش حس وظیفه شناسی و ایثار در جامعه

2-6-4 ایجاد فضای مساعد برای رشد فضایل اخلاقی

2-6-5 مبارزه ای جدی با کلیه مظاهر فساد و تباهی

2-6-6 بالا بردن سطح آگاهی و دانش عمومی

2-6-7 تقویت روحیه خلاق محور در تمامی زمینه های فرهنگی

2-6-8 ایجاد زمینه مساعد برای مشارکت جمعی مردم در امور اجتماعی

3- روش تحقیق

روش تحقیق از نوع کیفی و مروری - تحلیلی است، که از طریق جمع آوری اطلاعات به شیوه کتابخانه ای و نیز تحقیقات پیشین است، اطلاعات و داده های موجود در بانک های اطلاعاتی و شبکه های ارتباطی و کامپیوتری بررسی و انجام شده است. و همچنین در نگارش این مقاله مهمترین پژوهش ها در 20 سال اخیر بصورت جامع مرور گردیده است..



4- ریشه و منشأ عدم پیشرفت کشور

ایران به عنوان کشوری بسیار مهم و با فرهنگ و با تمدن چندین هزار ساله، متأسفانه در دوره معاصر از مشکلات و معضلات بزرگی رنج برده که یکی از اساسی ترین آنها فقدان پیشرفت و رفع توسعه نیافتگی و رسیدن به قله های پیشرفت بود. اما به رغم تلاش فراوان جهت غلبه بر مشکلات توسعه نیافتگی، پس از پیروزی انقلاب و تأسیس نظام جمهوری اسلامی و با وجود رشد و پیشرفت در بسیاری شاخه ها همچون انرژی هسته ای، علوم پزشکی و دارویی، نانو تکنولوژی و تسلیحات دفاعی، هنوز راه درازی در پیش رو داریم. اهمیت قائل نشدن یا کم توجهی به نظم و دقت در امور و حقوق انسانی، بها ندادن به وقت و بی ارزش شمردن آن، کم کاری، سو استفاده از مناصب و جایگاه های مدیریتی، انتصابات براساس روابط و لابی گری، بی توجهی به شایسته سالاری در انتخاب و انتصاب مدیران و مشاوران، پرهیز از کارهای سنگین بدنی، جدی نبودن در کار، روی آوردن به مشاغل کاذب، علاقه مندی به کار های خدماتی و واسطه گری، بی رغبتی به کارهای تولیدی، عدم رعایت استانداردهای تعیین شده، پایین بودن میزان پایبندی به مقررات محیط کار و ساعات موظفی، پرداختن به امور جنبی و کم اهمیت به جای امور اصلی و وظایف تعیین شده و مانند آنها، از ویژگی های نامطلوبی است که مانع پیشرفت و توسعه یافتگی کشور است. کم بودن مدت زمان اشتغال به کار در طول سال در بخشهای صنعت و کشاورزی و خدماتی و ناچیز بودن ساعت کار مفید در ادارات، از دیگر موانع پیشرفت کشور است نیز فقدان استفاده مفید و کاربردی از مراکز آموزشی و بالا بودن تعطیلات رسمی و غیررسمی مدارس و دانشگاه ها، از عوامل کاهنده پیشرفت ایران است که باید مورد توجهی جدی قرار گیرد. با توجه به این حقیقت، یکی از اهداف مهم مردمشریف ایران در انقلاب اسلامی یادآور میشویم که درباره ریشه و منشأ مسئله عدم پیشرفت و توسعه ایران، دو دیدگاه کلی وجود دارد برخی متفکران عوامل تعیین کننده توسعه نیافتگی را داخل جامعه جستجو میکنند و بر فاکتورهای درونزا، که خصایص خود جامعه هستند، تأکید دارند؛ عده ای دیگر بر تعیین کننده های برونزا یعنی فاکتورهای مربوط به موقعیت جامعه در نظام بین المللی که بر درون تأثیر میگذارد، نظیر استعمار، دستنشاندهی، ترس از کمونیسم و ترس از صهیونیسم و اسرائیل توجه کرده اند؛ نیز از دیدگاه سومی میتوان نام برد که بر سنتزی از عوامل درونزا و برونزا تکیه کرده است و آنها را به هم مرتبط و انفکاک ناپذیر میداند. از لحاظ فرهنگی موجود در جامعه نیز میتوان از:

4-1 گسترش احساس حقارت و بی قدرتی عمومی

4-2 ضعف همکاری های جمعی

4-3 رشد روحیه استبدادی و قدرت طلبی به هر قیمت، حتی از طریق چاپلوسی و سایر ارزشها

4-4 قضا و قدرگرایی منفی و تسلیم شدن در برابر سرنوشت

4-5 ضعف مسئولیت پذیری

4-6 ضعف انگیزه های فردی در پیشرفت

4-7 بی اعتنائی به قانون



4-8 بی توجهی به عرصه های عمومی و تأکید بر عرصه های خصوصی

4-9 قهرمان خواهی و ناجی طلبی

4-10 ضعف شدید عقلگرایی

4-11 ضعف یا فقدان عزم و تعصب ملی

تشویق خصلت های مورد نیاز توسعه در جامعه مانند، وجود اصولی همچون اصل امر به معروف و نهی از منکر، اصل نظارت عمومی، اصل نصیحت و مشورت که بر مسئولیت فردی و تقویت جامعه مدنی تأکید دارند، ضدیت با ظلم، تکریم انسان، تشویق به مشارکت سیاسی، برتری قانون و شریعت بر دولت و احکام، احترام به قانون، تأکید بر تدبیر و عقل گرایی، تأکید بر آزادی معقول و انسانی و نظایر فراوان این امور، همه فاکتورهای بالقوه و پتانسیلهای لازم جهت تحول فرهنگی برای پیشرفت جامعه اسلامی ایران است که در هر مورد میتوان مستندات فراوانی از قرآن، روایات و از سیره پیامبر (ع) و اهل بیت (ع) ارائه کرد. این موارد و نظایر آنها امتیازاتی هستند که در فرهنگ غنی اسلامی و ایران از آنها برخورداریم و لازم است با تأکید بر آنها فرهنگ عمومی لازم برای پیشرفت مادی و معنوی کشور عزیزمان را در همه ابعاد فراهم و نهادینه سازی کنیم.

نتیجه گیری

در این پژوهش دغدغه اصلی ما، مسئله پیشرفت در ایران اسلامی بود؛ زیرا با وجود پیروزی انقلاب اسلامی و پیشرفت در برخی زمینه ها و تا حدودی دستیابی به بازدارندگی نظامی، در بسیاری از حوزه های دیگر هنوز فاصله زیادی با جامعه مطلوب و آرمانی مورد نظر اسلام داریم. سوال اصلی ما معطوف به پیشران پیشرفت ایران بود باتوجه به مطالعات اکتشافی اولیه چنین بود که پیشران پیشرفت در ایران، عامل فرهنگ است؛ یعنی راه پیشرفت در ایران مبتنی بر تحول فرهنگی است. بنابراین راه پیشرفت در ایران اسلامی نیز ایجاد تحول فرهنگی درونی و فردی در جامعه است. نتیجه دیگر آنکه تمدن سازی نوین اسلامی که رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت آیت الله خامنه ای، به ویژه در بیانیه گام دوم انقلاب بر آن تأکید دارند، مبتنی بر تحول فرهنگی و پیشرفت ایران اسلامی است. همچنین این نتیجه حاصل شد که ما در فرهنگ ایرانی-اسلامی، پتانسیل های ارزشمندی برای پیشرفت ایران اسلامی داریم که لازم است از آنها بهره جدی بگیریم مانند میراث غنی جنبش اصلاحی اسلامی، اجتهاد مستمر وفقه پویای شیعی، تأکید بر فرهنگ کار، فقدان تضاد میان ارزشهای دینی و پیشرفت، اصل مترقی ولایت فقیه، الگوی عینی دولت نبوی و علوی در گذشته و الگوی آرمانی دولت مهدوی در آینده، از این عوامل شمرده میشوند که توصیه و تجویز به بهره گیری از آنها برای ایجاد تحول فرهنگی در راستای پیشرفت ایران اسلامی صورت گرفت. و همچنین توجه به شروع اصلاح از هر فرد و تأکید بر بهبود مداوم جهت پیشرفت از ضروریات تحول و تمدن سازی نوین اسلامی میباشد.

منابع و مأخذ

قرآن کریم

نهج البلاغه

1- مظفری، آیت، ایران اسلامی و مسئله پیشرفت، نشریه پژوهش های تمدن نوین اسلامی، پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق،

نشریه پژوهش های تمدن نوین اسلامی، 1400



2- مقدسی، علیرضا، سروش، شهروز، تبیین ترکیبی ابعاد و مولفه های مدیریت اسلامی در حوزه بهره وری سازمانی با رویکرد مدیریت کایزن 1401

3- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و دررالحکم، چ دوم، قم، دار الکتاب الاسلامی، 1410ق

4- آینه بند، بهرام، کایزن رمز موفقیت در رقابت ژاپنی، نشریه توسعه مدیریت، شماره 56، 1386

5- ابراهیمی، محمدحسین، مدیریت اسلامی، چ دوم، تهران، مرکز انتشارات تبلیغات اسلامی، 1375

6- کوران، تیمور، اسلام و توسعه نیافتگی: بازنگری یک معمای دیرینه، ترجمه یدالله دادگر، مجل نقد و نظر، س 3، ش 1، زمستان 1375

7- منوچهری، عباس، تقابل سنت و مدرنیسم: مروری تحلیلی بر متون توسعه، فصلنام خاورمیان، س 2، ش 1، 1374

8- سیف زاده، سیدحسین، نوسازی و دگرگونی سیاسی، تهران، سفیر، 1368

9- قوام، عبدالعلی و دیگران، میزگرد موانع توسعه یافتگی در خاورمیانه، ش 6، 1374

10- بیانات حضرت آیت الله خامنه ای، دسترسی در تار نمای: www.khamenei.ir

11- علی بابایی، غلامرضا، فرهنگ علوم سیاسی، تهران، ویس، ج 1، 1369

12- بدیع، برتران، فرهنگ و سیاست، ترجمه احمد نقیب زاده، تهران، دادگستر، 1367

13- سریع القلم، محمود، توسعه، جهان سوم و نظام بین الملل، تهران، سفیر، 1375

14- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، تهران، مکتبه الاسلامیه، ج 70

15- محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکم، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ج 1

16- الکلینی، محمد بن یعقوب، فروع کافی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ج 5، 1350

17- مستر حمی، هدایت الله، ترجمه ارشاد القلوب، تهران، کتابفروشی بوذرجمهری مصطفوی، 1349